

بخش دوم

سخنرانی

آیین نکوداشت دکتر محمد آشوری

آیین نکوداشت استاد پیشکسوت حقوق کیفری و جرم شناسی کشور با حضور
استادان، دانشجویان و پژوهشگران مورخ ۱۳۹۸/۲/۲۵ در سالن اجتماعات دانشکده
حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد برگزار شد.





سخنرانی استاد دکتر محمد آشوری: عدالت کیفری افتراقی؛ الزام یا گزینش

مطالبی که همکاران ارجمند فرمودند، اینجانب را شرمندۀ کرد و من را وادار نمود تا راجع به خود تفکر کنم، اما امروز می‌خواهم درباره مطالبی که راجع به آینده است، صحبت کنم.

ظاهراً قرار بود به مناسبت روز معلم، این جلسه هفته قبل برگزار شود که اینجانب توفیق نداشتم؛ برگزاری روز معلم از سنت‌های خوب ماست. خدمت دکتر نجفی ابرندآبادی عرض کردم که چند سال پیش نزد یکی از اساتید فرانسه می‌رفتم؛ ایشان دیدند که روزی دانشجویان با یک یا دو شاخه گل یا چیز مشابهی نزد من می‌آمدند. ایشان با تعجب از من پرسیدند که چه خبر است که دانشجویان این‌گونه می‌آیند؟ گفتم: امروز، روز معلم است و توضیح دادم و احساس کردم ایشان خیلی از اینکه چرا چنین روزی را ندارند متأثر شدند.

منظور این است که ما سنت‌های خوبی داریم و باید قدر سنت‌هایمان را بدانیم؛ البته غربی‌ها هم سنت‌های خوبی دارند.

نسل ما از طریق وزارت فرهنگ و وقت، به خارج از کشور اعزام شد. برای مثال دکتر علوی که روحشان شاد باشد و دیگران سعی کردند جنبه‌های مثبت فرهنگ غرب را تا آنجا که می‌توانیم شناسایی کنیم، اما به هیچ وجه فراموش نکردیم که کشور ما یک فرهنگ قوی و طولانی دارد و حالا هم نیاز نداریم تا غربی‌ها بگویند فلان مورد خوب است، تا ما هم بگوییم بله خوب است. نه! خودمان سعی کنیم آنچه واقعاً در فرهنگ ما است و نیکوست را حفظ و مراقبت کنیم. به هر حال این نکوداشت از معلم هم یکی از آن سنت‌ها است و من به سهم خود از جناب آقای دکتر شایگان فر، جناب آقای دکتر شیخ الاسلامی، آقای دکتر زاهدیان ریاست محترم دانشکده و اعضای محترم گروه



حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، دانشگاه فردوسی، دانشگاه پیام نور و تک تک عزیزانی که حضور دارند تشکر می‌کنم. به هر حال لطف کردید و من را سرافراز کردید و همانطور که عرض کردم این توفیق به هر حال برای بنده حاصل شد که امروز خدمتتان باشم.

دکتر نجفی ابرندآبادی نیز من را مضاعف شرمنده کردند و در اولین نکوداشت (۱۳۸۳) که بعد از انقلاب برگزار شد، ایشان زحمات زیادی را متقبل شدند. دکتر نجفی ابرندآبادی حق خیلی زیادی دارند؛ آری، دکتر شیخ الاسلامی به درستی اشاره کردند که ایشان حق خیلی زیادی دارند.

سنگ اولیه بنای جرم شناسی در ایران را مرحوم دکتر کی نیا نهاد. هنگامی که دانشجوی بودیم، کلاس‌ها سه ماهه بود. ما می‌رفتیم و دوره می‌دیدیم و کسی را که ایشان بعد از فوت خودش به اصطلاح توصیه می‌کردند و قبول داشتند آقای دکتر نجفی ابرندآبادی بود. در این زمان در زمینه جرم شناسی، نمی‌شود که من ایشان را الان معرفی کنم چون معرف باید اعلی از معرف باشد؛ حداقل برای من که در خدمتشان بودم.

آقای دکتر شیخ الاسلامی اشاره کردند که جرم شناسی در ایران از کتاب دفاع اجتماعی مارک آنسل شروع شد که این غیر از دفاع اجتماعی نوین، اثر اصلی مارک آنسل است که متأسفانه ترجمه نشده است و فقط در نیروی انتظامی، چند نسخه ای را چند تن از دانشجویان ما ترجمه کرده‌اند ولی گویا برای مصرف داخلی بوده است. در ابتدای این کتاب کوچک، آقای مارک آنسل سعی کرده از دفاع اجتماعی دفاع کند و بگوید دفاع اجتماعی امروز این است و امید دارد که بتواند نقشی را در دفاع از جامعه ایفاء کند؛ حال آقای دکتر اشاره کردند که چاپ اولش را در حقیقت در اختیار دانشجویان گذاشته‌اند. در آن زمان مثل امروز که کاغذ پیدا می‌شود ولی کمی گران است، کاغذ نبود و فکر کنم حکم قاچاق داشت تا بالاخره رفتیم وزارت ارشاد و مجوز گرفتیم.

خوشحالم همان طور که اشاره کردند بعد از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، ده‌ها نفر کتاب آیین دادرسی کیفری نوشتند که این موضوع باعث امیدواری و خوشحالی است. حال آنکه در گذشته راقم این سطور مرحوم دکتر آخوندی بودند. فرض کنیم همین یکی دو نفر بودند، الان خیلی خوب است که به این تعداد افزوده شده است و من امیدوارم همین طور هم بماند.

جناب آقای دکتر شیخ الاسلامی برداشت من این است که قانون آیین دادرسی

کیفری در حال جا افتادن در جامعه است. آیین دادرسی کیفری خیلی مهم است و من هم ناچار بودم درس های عدیده ای بگویم ولی هیچ درسی نمی تواند جای آیین دادرسی کیفری را بگیرد. از یک طرف، قانون اساسی داریم و از طرف دیگر، تحولاتی در جامعه ایجاد می شود و جامعه پویا است، استاتیک نیست و دینامیک است و چون پویا است اثراتش را می گذارد. ما نمی توانیم منتظر بمانیم تا تغییرات را در قانون اساسی ببینیم؛ چون (آثار) قانون اساسی طولانی مدت است، اما انعکاس قانون آیین دادرسی کیفری فوری است.

شما دانشجویان عزیز که اینجا حضور دارید و این مراحل را پشت سر گذاشته اید بدانید که می گویند قانون آیین دادرسی کیفری بیش از یک دهه، یعنی از ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۰ شروع شده است و دلایلی می آوردند که خوب اجرا نمی شود. یکی از دلایل طولانی بودن آن است. اگر این قانون زودتر تصویب می شد یا به تدریج تصویب می شد، یکی از نهاد را پیدا می کردیم و مشکلات حل می شد، سپس نهاد دوم و بعد نهاد سوم؛ ولی چون ده سال طول کشید همه این نهادها همزمان جمع شدند. در حال حاضر نهادهای میانجیگری، تعلیق تعقیب، ترک تعقیب و ... داریم. فرض کنید کنترل قضائی هم داریم؛ حالا یک مرتبه می خواهیم آنها را پیاده کنیم. در این حالت نه دستگاه قضایی ما با تراکم پرونده ها توانایی انجام این کار را دارد و نه جامعه را آماده کردیم. فرض کنید اساتید چقدر فرصت دارند تا تعلیق تعقیب ساده را تدریس نمایند. ما به مسئولین بارها گفته ایم که کشورهایی که تعلیق تعقیب و ... را اجرا کردند، بارها تعلیق تعقیب را امتحان کرده اند، به اندازه کافی مددکار اجتماعی داشتند و بعد آن را به نهادهای دیگر مانند میانجیگری گسترش دادند. حال ما قانون یک صد ساله آنها را یک مرتبه وارد قانون کشورمان کرده ایم.

نقدهای زیادی راجع به قانون آیین دادرسی کیفری بود؛ یعنی معترضین زیادی وجود داشت، حتی به یاد دارم که در یکی از همین جلسات، شخصی عقیده داشت که ما ماده های قانونی را مستقیم از فرانسه گرفتیم که این کار اشتباه بوده است و معتقد بود که این قانون حتی در فرانسه هم اجرا نمی شود. اینجانب هم به ناچار پاسخ دادم که فکر نمی کنم اینطور باشد. به هر حال خصومت های زیادی وجود دارد، اما نسبت به برخی مواد هم نقدی نیست.

یکی از مدیران دستگاه قضا به من گفت آقای دکتر بسیونی از اساتید حقوق جزا که در نوشتن قانون ایتالیا در سال ۱۹۹۸ نقش داشته بود و به ایران آمده بود اعتقاد داشت که قانون آیین دادرسی کیفری ایران پیشرفت های خوبی داشته است. این حرف ایشان



من را به فکر واداشت. می دانستم محتوایش چیست، اما نمی دانستم که آیا قابل اجرا هست؟

در مورد موضوع نشست امروز فکر کردم که عدالت کیفری افتراقی: الزام یا اختیار گزینه خوبی است. در همین راستا، با مسائلی که عرض می کنم آشنا شوید. در فرانسه، بلژیک و آلمان بعد از جگ جهانی دوم، اصلاً عدالت افتراقی نبود. در سال های ۱۹۵۰، ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در فرانسه، قانون تحکیم حقوق و آزادی عنوان قانونی داشت. در سال ۱۹۸۰ ما با یک دادرسی دوگانه و افتراقی روبه رو بودیم که اختیاری بود؛ برای این می گویم اختیاری که دولتی دادرسی افتراقی مصوب ۱۹۴۵ فرانسه را می پذیرفت و دولتی هم نمی پذیرفت. مثل اینکه ما کنوانسیون حقوق کودک را سال ها نپذیرفتیم ولی بعد به اختیار خودمان تصویبش کردیم و حق های فراوانی برایش قائل شدیم همانند قانون اساسی.

بعد از ۱۱ سپتامبر جرائم فراملی بویژه در اروپا افزایش یافته است. بتدریج دولت ها الزامی را احساس کردند که باید سراغ قانون دیگری بروند که آن قانون افتراقی بود. به عبارت دیگر، در مورد یک شیوه رسیدگی نمی توان با قانون جنگ کرد و من این را در فرانسه ندیدم. البته مسئله مهم این است که در کنار فراملی شدن جرایم، ظهور تروریسم، پولشویی و جرایم باندى؛ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ۱۹۵۰ میلادی، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ نیز وجود داشتند که از آزادی های فردی حقوق شهروندی دفاع می کنند. بنابراین، از یک طرف، حقوق بشر مطرح است و از طرف دیگر ایده دفاع از امنیت نیز وجود دارد.

حال نقش مهم و هدف آیین دادرسی کیفری چیست؟ تلفیق امنیت با آزادی. حال چگونه می توانیم امنیت و آزادی را با یک دیگر تلفیق کنیم؟

جرایم عادی مانند کلاهبرداری و سرقت در کنار جرایمی مانند جرایم تروریستی وجود دارند. با تفسیری که از قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به نظرم می رسد آن است که ما به همه جرایم به یک شکل نگاه کرده ایم. البته اقدامی نیز در قالب استیذان از مقام رهبری در مرداد ماه ۱۳۹۷ در خصوص جرایم اقتصادی توسط رئیس قوه قضائیه صورت گرفت. در اینجا می بینیم که بعضی از دستگاه ها مطابق قانون آیین دادرسی کیفری وجود ندارد، تجدید نظر وجود ندارند مگر برای اعدام. مواعد به ۵ روز تقلیل یافت و موارد دیگری که در این استیذان مطرح است. البته مقام رهبری توصیه کردند که دقت لازم به عمل آید.

اما آنچه که بیشتر سبب شد این مباحث را خدمت شما عزیزان بگویم این است که

از دو سال پیش معاونت حقوقی قوه قضائیه به این فکر افتاد که قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و با اصلاحات ۱۳۹۴ را مجدد اصلاح نماید. در آن جلسه که من حضور داشتم ۳۷۲ مورد اصلاحیه بر این قانون قرائت شد.

برای مثال مدت بازداشت موقت در جرایم موجب مجازات سلب حیات نباید از دو سال متجاوز باشد. در هر حال در مورد تبصره ماده ۲۴۲ دادرسی و دادگاه می بایست دقت نمایند. حال اگر مرتکب قتل از روز اول بازداشت شده باشد و دو سال از بازداشت وی گذشته باشد. مدت بازداشت موقت از دو سال نباید متجاوز باشد و قاضی باید متهم به قتل را آزاد کند. در ارتباط با جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، جرایم تروریستی و بانندی هم تحلیل کردند که باید متفاوت باشد.

برای مثال بازپرس با صدور قرار تأمین مناسب متهم را به مدت حداکثر ده روز در اختیار ضابطان امنیتی قرار دهد. دادستان می تواند در صورت معذوریت بازپرس تحقیقات را انجام دهد و در صورت ضرورت به تشخیص بازپرس در قانون فعلی در کلیه اخطاریه ها، به محض اینکه متهم تحت نظر قرار گرفت اطلاع به خانواده ذکر نمی شود، اما قانون فعلی هم خیلی اغراق کرده است و متوجه نبوده است که ما از قسمتی از قانون فرانسه اقتباس نموده ایم در حالی که بر اساس مواد ۷۰۷ به بعد قانون فرانسه بیان شده است که پلیس به خانواده شخص باید اطلاع دهد.

در قانون فرانسه و کشورهای مشابه، وکیل حداکثر نیم ساعت می تواند با متهم صحبت کند ولی قانون ما آن را یک ساعت اعلام کرده است. از جمله امور این است که به خانواده شخص اطلاع دهند که البته می تواند با اجازه دادستان یک هفته به تعویق بیفتد. دادستان کل می تواند در روند تحقیقات، تجدیدنظر کند. حکم ممنوع الخروجی هم باید با اجازه دادستان باشد.

در پیش نویس قانون اینگونه به نظر می رسد که قانونگذار می خواهد با دیگر کشورها رویکردی همسو داشته باشیم، یعنی به سمت عدالت کیفری افتراقی، اما ملاحظه می شود که بخشی از حقوقی که در حال حاضر در قانون آیین دادرسی کیفری وجود دارد نادیده گرفته خواهد شد.

آیا ما در جرایم تروریستی و بانندی توان وضع قوانینی که بسیاری از کشورها تصویب نموده اند را نداریم تا بتوانیم دارای دادرسی منصفانه شویم و قانون اساسی و قوانین بین المللی نیز رعایت شود؟ به عبارت دیگر، امید است که دادرسی منصفانه ای داشته باشیم. من واقعاً امیدوارم که این موضوعات در وضع لایحه ها رعایت شوند، به گونه ای که هم حقوق آزادی و هم حقوق شهروندی و اصول قانون اساسی با هم جمع شوند تا



بتوانند به معنای درست کلمه در ایران ضمن رعایت حقوق متهم، جرم انگاری نمایند. همچنین در خصوص ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری نیز باید گفت که قبل از اصلاحات مقرر در سال ۱۳۹۴ در جرایم علیه امنیت، ملاقات متهم با وکیل می‌توانست یک هفته به تعویق بیفتد. از این موضوع استنباط می‌کنیم که متهم از همان اول می‌تواند وکیل داشته باشد؛ اما مسئله ملاقات با وکیل ممکن است مخاطره‌انگیز باشد. در دنیای امروز ممنوع‌الملاقاتی شامل وکیل نمی‌شود، مگر در خصوص جرایمی که به موجب قانون استثنا شده باشند، ولی خانواده متهم باید بدانند که متهم کجاست، آزادی‌اش در کجا سلب شده است و این امکان پذیر نیست، مگر از طریق وکیل. بنابراین، شمول ممنوع‌الملاقات به وکیل، خیلی منصفانه نیست. در نهایت، من امیدوارم در بررسی لایحه‌های قانونی، طوری قانون نویسی شود که امنیت جامعه، حقوق مظلوم و حقوق متهم همگی رعایت شوند.